



گفت‌وگو با «سید منصور میرتاج‌الدینی»
عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان

تولید و تجارت گیاهان دارویی

○ آقای میرتاج‌الدینی! درباره اهمیت گیاهان دارویی توضیح دهید.

گیاهان دارویی در جهان دارای ارزش و اعتبار زیادی هستند و یکی از دلایلی که گیاهان دارویی دوباره بعد از قرن‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند و استفاده از آن‌ها علمی‌تر شده است، تنوع گیاهان است. تنوع داروهای سنتتیک در مقابل تنوعی که در عالم گیاهان است، بسیار ناچیز است؛ در جهان حداقل ۳۰۰ هزار نوع گیاه عالی و پیشرفته وجود دارد که اگر قارچ‌ها، جلبک‌ها و برخی باکتری‌های مفید را جدا کنیم، قطعاً از بین ۳۰۰ هزار نوع، گونه‌های زیاد را می‌توانیم برای استفاده به‌عنوان گیاه دارویی پیدا کنیم. این ۳۰۰ هزار نوع گیاه، ترکیبات بسیار متنوعی دارند؛ بنابراین مجموعه بزرگی از ترکیبات بیوشیمیایی و طبیعی می‌توانیم داشته باشیم که از اکثر آن‌ها بی‌اطلاع هستیم.

دلیل دوم این است که گیاهان دارویی عوارض جانبی کمی دارند؛

تولید و تجارت گیاهان دارویی یکی از ظرفیت‌های بالقوه کشورمان و استان کرمان است. در این رابطه با سید منصور میرتاج‌الدینی، به گفت‌وگو پرداختیم. وی عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان در رشته گیاه‌شناسی و همچنین عضو هیئت مدیره انجمن گیاهان دارویی استان کرمان می‌باشد. میرتاج‌الدینی، گرچه عضو هیچ شرکت تجاری نیست، اما با توجه به این‌که معتقد است هرانجمن صنفی و تجاری نیاز به بنیة علمی دارد، به‌صورت غیرانتفاعی در انجمن مذکور همکاری و مساعدت علمی و مدیریتی می‌نماید.



بین واحدهای بخش خصوصی و این واحدها وجود دارد و روزبه‌روز مشکلات اداری کمتر می‌شود. در اعطای تسهیلات بانکی موانعی وجود دارد که باید برداشته شود.

موضوع دیگری که بخش خصوصی هنوز متوجه آن نشده که البته باید پیگیر باشد، به دست آوردن دانش و اطلاعات کافی در زمینه گیاهان دارویی است. شکل سنتی تجارت گیاهان دارویی که در ایران داریم، مثل گذشته سودآور نیست و وارد کردن برخی گیاهان از کشورهای جنوب شرق آسیا مثل هندوستان نیز به اندازه گذشته اهمیت ندارد. الان، جهان به سمتی می‌رود که از فرآورده‌های گیاهان دارویی استفاده کند؛ یعنی استفاده از فرآورده‌هایی به صورت علمی و بسته‌بندی شده در داروخانه‌ها که به این مورد بخش خصوصی و دولت باید توجه کنند و اگر بخش خصوصی در این زمینه آگاهی کافی و دانش نداشته باشد، دولت می‌تواند به این موضوع کمک کند.

بخش سوم درگیر در زمینه گیاهان دارویی، مصرف‌کنندگان هستند که شامل توده مردم می‌شود. گیاهان دارویی از سال‌ها پیش در کشورها مورد استفاده بوده، اما فرهنگ استفاده از گیاهان دارویی خاص خودمان است؛ چون گیاهانی که در دسترس ماست، خاص هستند؛ بسیاری از گیاهان از طبیعت ایران برداشت می‌شوند و برخی از کشورهای مشخصی مثل افغانستان، پاکستان و بعضی کشورهای آفریقایی وارد می‌شوند و مردم نیز مایل هستند از همین گیاهان استفاده کنند. استفاده صحیح استفاده‌کنندگان و مردم از گیاهان دارویی، ممکن است به شکل سنتی باشد و یا ممکن است به شکل نوین و جدید باشد. به شکل سنتی، حالتی است که رایج است و همه به آن وابسته هستیم و آن خرید گیاه خشک از عطاری‌هاست؛ البته در سال‌های گذشته نقش عطاری‌ها اندکی تغییر کرده است؛ عطاری‌ها تا چند دهه پیش نه تنها به عنوان یک داروخانه در فروش گیاهان دارویی عمل می‌کردند؛ بلکه نقش طبیب را هم داشته‌اند که به این دلیل بوده در طول نسل‌های متوالی از پدر به پسر اطلاعات به ارث می‌رسیده و این تجربه‌ها گاهی اندوخته می‌شده و سراغ هر کدام از عطاران که می‌رفتیم، در مورد بیماری سؤال می‌کرد و سپس دارو را معرفی می‌کرد، اما الان به آن شکل نیست، نقش عطاری‌ها کم‌رنگ شده و عطاران گاهی ناآشنا به گیاهان دارویی هستند که فقط تعدادی اسم را یاد می‌گیرند و چند مورد استفاده را پرس‌وجو می‌کنند و سپس گیاهان دارویی را می‌فروشند، اما مردم اغلب خودشان بر اساس اطلاعات عمومی که دارند، اقدام به خرید می‌کنند و ترجیح می‌دهند خودشان گیاه دارویی خریداری کنند تا این که منتظر تجویز عطاران بمانند؛ به‌رحال یک آشفتگی ایجاد شده که باید به آن رسیدگی شود.

استفاده نوین از گیاهان دارویی موضوعی است که در سال‌های اخیر زیاد رواج پیدا کرده و آن تولید فرآورده‌های دارویی است که در محیط‌های علمی و دارای استانداردهای کافی انجام می‌شود؛ البته باید این گونه باشد. گیاهانی که می‌خواهند از آن‌ها فرآورده تهیه کنند، باید به اندازه کافی از نظر شادابی، تاریخ برداشت، بخش‌هایی که از گیاه موردنظر است و موارد دیگر، استانداردهای کافی برای وارد شدن به چرخه فرآوری را داشته باشند و دیگر این که همه چیز در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها با اندازه‌گیری دقیق انجام شود؛ حلال‌هایی که استفاده می‌شود، شناخته شده و مقدار آن‌ها مشخص است، مقداری از گیاه که باید در این حلال‌ها قرار

هیچ‌کس نیست گفته باشد عوارض گیاهان دارویی از داروهای سنتتیک و شیمیایی بیشتر است و علت کم بودن عوارض گیاهان دارویی، این است که در طول میلیون‌ها سال در کنار انسان با هم تکامل پیدا کرده‌اند؛ یعنی انسان در طول چند میلیون سال در صورتی تکامل پیدا کرده که گیاهان هم همراه او بوده‌اند؛ بنابراین، هر چیز مضر که بین گیاهان و انسان بوده، حذف شده و طبیعت به سمتی رفته که انسان با طبیعت سازگار شود و موارد تناقض و تضاد تقریباً حذف شده است. حتی گیاهانی که سمی هستند، با درصدهای پایین و دوز کم، گیاه دارویی محسوب می‌شوند؛ به‌طور مثال گیاه خزه‌ره که خوردن چند برگ از آن انسان را می‌کشد، می‌تواند گیاه دارویی محسوب شود.

ان، درخصوص گیاهانی که حساسیت‌زا و تاول‌زا هستند نیز به شدت کار می‌شود و به‌عنوان گیاهان احتمالی برای مداوای سرطان مورد بحث هستند. مورد سوم در اهمیت استفاده از گیاهان دارویی، امکان فراهم کردن راحت این گیاهان است؛ چراکه پیدا کردن داروهای سنتتیک ممکن است مشکل باشد، قیمت برخی از این نوع داروها زیاد است، ممکن است به دلایل سیاسی از واردات داروهای سنتتیک ممانعت شود، باید پزشکی باشد که تجویز کند و موارد دیگر، اما خودمان می‌توانیم گیاه دارویی را خریداری کنیم، کشت کنیم و انباشته و ذخیره کنیم و به راحتی از آن استفاده کنیم.

درخصوص ارتقای تولید، تجارت و مصرف گیاهان دارویی چه باید کرد؟

کار تولید و تجارت باید به بخش خصوصی واگذار شود. در زمینه گیاهان دارویی دولت باید آموزش و فرهنگ‌سازی عمومی را در دستور کار قرار دهد؛ یعنی عامه مردم اعم از استفاده‌کننده، تولیدکننده، کم‌سواد و باسواد از گیاهان دارویی -در حد عمومی و نه تخصصی- اطلاعات کافی و به‌روز داشته باشند که این آموزش و فرهنگ‌سازی کاری نیست که به دنبال آن درآمدی باشد؛ بنابراین، بخش خصوصی این کار را انجام نخواهد داد؛ بخش خصوصی کاری انجام می‌دهد که بلافاصله یا در مدت‌زمان کوتاهی به سود برسد؛ بنابراین، نباید توقع داشته باشیم این کار را بخش خصوصی انجام دهد.

نقش دیگر دولت، نظارت بر واحدهای تولیدی و تجاری است که بسیار مهم است.

نقش دیگر دولت، آموزش تخصصی به واحدهای تجاری از جمله تولیدی، بسته‌بندی، صادرکننده و توزیع‌کننده است. الان، تمام علوم و تکنولوژی در حال پیشرفت هستند؛ به همین دلیل در زمینه گیاهان دارویی هم دولت باید برنامه‌های جدید و به‌روزی برای استفاده‌کنندگان از آموزش‌ها طراحی کند و منتظر اقدام خیران، واحدهای خصوصی و ... نباشد.

بخش دوم که درگیر گیاهان دارویی است، بخش خصوصی است. الان، خوش‌بختانه همه به این نتیجه رسیده‌اند که برای شکوفایی اقتصادی، بخش خصوصی باید فعال شود و هرچند که موانع زیادی وجود دارد، اما بسیاری از موانع در حال برداشته شدن است؛ از جمله موانعی مثل بروکراسی اداری، ناهماهنگی واحدهای نظارتی در زمینه فعالیت صادرات‌کننده‌ها و واردکننده‌ها مثل گمرک و دستگاه‌های امنیتی که گاهی تأخیر و مشکل ایجاد می‌کنند، اما به‌رحال ظاهراً ارتباط بهتری

داده شود، مشخص است، زودن برخی ترکیبات از گیاهان معلوم است و این‌ها جنبه‌هایی است که اعتماد مردم را به فرآورده‌های نوین زیاد کرده است.

فرآورده‌های گیاهان دارویی گاهی اوقات در حد یک مخلوط در داخل ظرف‌های شیشه‌ای با برچسب اطلاعات است و گاهی برای استفاده بهتر به شکل داروهای شیمیایی و سنتتیک درآورده می‌شوند؛ به‌طور مثال به شکل قرص و کپسول ساخته می‌شوند که استفاده راحت‌تر باشد؛ چون استفاده از عصاره جوشانده و غیره که از قدیم هم وجود داشته، گاهی مشکلاتی به‌وجود می‌آورد و یا ممکن است ماندگاری دارو را کاهش دهد. به‌رحال باید در این زمینه‌ها بیشتر وارد شویم و تولیدکننده‌ها بیشتر به این سمت بروند.

عملکرد دولت در زمینه ارتقای وضعیت گیاهان دارویی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

معتقدم دولت در برخی زمینه‌ها در گیاهان دارویی از جمله در زمینه آموزش تخصصی و آموزش عمومی ضعیف عمل کرده است. در استان کرمان هیچ مکانی برای آشنا کردن مردم با گیاهان دارویی نداریم؛ یعنی جایی که هم دیدنی باشد و هم نقش آموزشی داشته باشد، وجود ندارد. در جهان باغ‌ها و کلکسیون‌های زیادی است که گیاهان متعددی در آن‌ها کاشته می‌شود تا مردم و محققان با دیدن این گیاهان، دانش خود را ارتقا دهند؛ آشنایی مردم و محققان با گیاهان دارویی در یک محیط که گیاهان به‌صورت زنده و در حال رشد هستند، نه تنها نظر سرگرمی و تفریح ارزش زیادی دارد و حتی ممکن است جنبه اجتماعی و گردشگری داشته باشد، از نظر آموزش هم بسیار مهم است؛ افراد زیادی ترغیب می‌شوند برخی از گیاهانی که در مجموعه می‌بینند را برای خودشان تکثیر کنند که تکثیر این گیاهان مساوی با بهره‌برداری اقتصادی است.

نمایشگاه کالا برای این برگزار می‌شود تا واحدهای تولیدی با تولیدات یکدیگر آشنا شوند و با آموزش عملی که در محل به واحدهای تولیدی داده می‌شود و با اطلاع‌رسانی به مردم و علاقه‌مندان، افراد مختلف به برخی کارها هدایت شوند؛ اما در زمینه گیاهان دارویی تاکنون نمایشگاه مفیدی نداشته‌ایم و نمایشگاه‌های ما خلاصه می‌شوند به مقداری شیشه و ظرف که مقداری گیاه دارویی در آن‌ها ریخته شده و این‌ها شرکت‌های دارویی تابلوهای تبلیغاتی نصب می‌کنند که این‌گونه نمایشگاه‌ها هیچ‌گونه جذابیتی برای مردم ندارد، اما اگر کار گیاه دارویی را از مشاهده گیاه زنده شروع کنیم، اهمیت زیادی پیدا می‌کند و مکان‌ها دارای ارزش علمی بالایی خواهند شد.

دانشگاه‌ها، سازمان حفاظت محیط‌زیست، جنگل‌ها و مراتع و هیچ سازمان دیگری تاکنون نقش مفید و کافی در این زمینه ایفا نکرده‌اند. هزینه این کار چندان زیاد نیست؛ هزینه این کار به اندازه ساخت و نگهداری دو پارک و فضای سبز معمولی است؛ اما درحالی‌که در شهر کرمان درخت‌های کاج زیادی آبدهی، مراقبت و رسیدگی می‌شود، اما چنین مجموعه‌ای نداریم.

دانشگاه هم از درختانی که نهال‌های ارزان یا رایگان از سازمان‌های دیگر گرفته، مراقبت می‌کند و هیچ کلکسیون‌ی ندارد؛ حتی برخی درختان دانشگاه، خودرو سبز شده‌اند و اگر از بالا نگاه کنیم، هیچ نظمی در فضای

سبز دانشگاه نمی‌بینیم و مثل یک جنگل است.

سال ۷۶ وقتی وارد دانشگاه شدم، پیشنهاد ساخت باغ گیاه‌شناسی برای دانشگاه را دادم، اما موفق نشدم که اگر این اتفاق افتاده بود، الان باغ ما، درختان تنومندی داشت.

فراهم کردن این‌چنین امکاناتی سخت نیست و متخصص لازم را در شهر داریم، اما متخصصان جایگاهی در مدیریت ندارند و اگر هم بخواهند وارد شوند، جلوی آن‌ها سد می‌شود؛ بنابراین، چیزی که از طریق رسانه‌ها به مردم نشان داده می‌شود، چیزی نیست که واقعیت دارد.

ظاهراً در هفت‌باغ مجموعه‌ای است که هم‌زمان می‌شود گیاهان دارویی را برداشت‌کرد، دمنوش درست‌کرد و خورد؟

اطلاعی ندارم، اما می‌دانم در سال‌های اخیر مجموعه مدیریت هفت‌باغ کارهای جالبی در خصوص گل‌ها و گیاهان، پرندگان و مکان‌های تفریحی انجام داده، اما هیچ‌وقت از اطلاعات ما استفاده نکرده‌اند.

باید در این زمینه تعامل برقرار شود.

بله، در کشورهای پیشرفته استاد دانشگاه خودش تجارت نمی‌کند و تفکری که در کشور ما تحت عنوان شرکت‌های دانش‌بنیان حاکم شده، در کشورهای پیشرفته این‌گونه نیست؛ بلکه استاد دانشگاه در این کشورها طرح و نظر می‌دهد و شرکتی که متخصص دارد و نظر و طرح را می‌فهمد، طرح را از استاد دانشگاه خریداری می‌کند و وقتی طرح اجرا می‌شود، بهترین طرح خواهد بود و موفق می‌شود؛ چراکه هر فردی در این زنجیره نقش خودش را ایفا کرده؛ استاد دانشگاه طرح را علمی پایه‌ریزی کرده، مجری طرح را بر اساس اصول علمی اجرا می‌کند و فردی که در خصوص بازاریابی و جوانب فرعی اطلاعات دارد، می‌تواند اعلام کند که طرح از نظر جامعه پذیرفته می‌شود یا خیر؛ یعنی بررسی موضوع از نظر جامعه‌شناسی و روان‌شناختی و موضوعات دیگر از جمله جنبه‌های حقوقی مورد بررسی قرار می‌گیرد و اگر کل این حلقه‌ها را کنار هم بگذارید، زنجیره محکمی درست می‌شود و کار درست و اساسی شکل می‌گیرد.

نظر شما در خصوص آموزش علمی گیاهان دارویی چیست؟

در زمینه آموزش و نظارت اعتقاد دارم باید مقداری به سمت علمی کردن اسامی گیاهان برویم. تاکنون در ایران، جاه‌های مختلفی برای نمونه‌برداری و تحقیق رفته‌ام و با نام‌های محلی متفاوت مواجه شده‌ام؛ به‌طور مثال مردم کرمان می‌دانند کلپوره چیست و یا آله، گیاهی خوش‌بو، دارویی و مفرح است و همین گیاه در خراسان هم استفاده می‌شود که آن‌جا با نام آنوخ می‌شناسند و با در برخی مناطق از جمله چهارمحال بختیاری، به این گیاه، اوشن می‌گویند و در آذربایجان کهلی اوتی (علف کبک) می‌گویند و از این گیاه استفاده نمی‌کنند؛ بنابراین، هدف من یکپارچه‌سازی نام‌هاست، منظور من این نیست که اسامی محلی از بین بروند، این نام‌ها هویت ما هستند، اما در تجارت خارجی نام علمی لازم است و این نام علمی نباید انگلیسی، آلمانی، عربی و یا فرانسوی باشد؛ بلکه اسمی است که از زبان لاتین گرفته شده و در سراسر دنیا تمام گیاه‌شناسان در مورد آن اتفاق نظر دارند. این نام‌ها در تجارت نباید نادیده گرفته شود و لازمه این مهم، این است که در

گیاهی بومی و ویژه در استان داریم که در استان‌های دیگر کم است و یا وجود ندارد و این مواردی است که بسیار کمک می‌کند که بتوانیم به حد کافی رشد کنیم، اما تا این موارد به مرحله بالفعل نرسند، نمی‌شود برای آینده برنامه‌ریزی کرد.

نکته دیگر این‌که نباید رقابت استانی مدنظر ما باشد؛ باید رقابت جهانی هم مدنظر باشد و باید محصول خود را به بازارهای جهانی و به‌ویژه بازارهای کشورهای پیشرفته صادر کنیم؛ بنابراین، باید خودمان را در حد بازارهای کشورهای پیشرفته ببینیم؛ یعنی نگاه بلند داشته باشیم تا بتوانیم پرواز بلندی بکنیم که البته پرواز بلند بدون برنامه‌ریزی و فراهم کردن حلقه‌هایی که پیش از این بیان کردم، امکان‌پذیر نیست.

○ آیا سازوکار صادراتی لازم در استان داریم و چه گیاهان دارویی را صادر می‌کنیم؟

از صادرات گیاهان دارویی و مقرراتی که وجود دارد، اطلاع کافی نداریم؛ اطلاعات من مربوط به جنبه‌های تخصصی و علمی گیاهان دارویی است، اما تا جایی که اطلاع دارم، بسیاری از گیاهان دارویی که صادر می‌شوند، عمدتاً گیاهانی هستند که در کشورهای دیگر وجود ندارد، به همین دلیل با خوش‌شانسی، یک نوع انحصار برای ما ایجاد شده است. مثل زمانی که پسته فقط در ایران کشت می‌شد و ما در نحوه صادرات و قیمت‌گذاری آن تصمیم‌گیرنده بودیم، اما الان دیگر این‌گونه نیست؛ گیاهان دارویی هم اکنون همین‌طور است؛ گیاهانی صادر می‌کنیم که دیگران ندارند و یا کشورهای کمی دارند، به همین دلیل صادرات گیاهان دارویی فعلاً موفق است، اما عمق موضوع را نادیده گرفته‌ایم و به‌زودی مشکلی که برای پسته به‌وجود آمد، برای گیاهان دارویی هم ایجاد خواهد شد؛ به این دلیل که کشورهای دیگر کم‌کم به این سمت می‌روند تا مکان‌هایی برای تکثیر این گیاهان پیدا کنند و آن‌وقت است که وضع ما در رابطه با گیاهان دارویی، مثل شرایطی که برای پسته ایجاد شد و حتی بدتر خواهد شد.

نکته دیگر در رابطه با گیاهان دارویی، بی‌توجهی به بهره‌برداری صحیح و اصولی از طبیعت است که به محیط‌زیست آسیب می‌زند. اگر تجارت گیاهان دارویی سودی نصیب فردی یا افرادی و یا حتی به‌صورت غیرمستقیم نصیب دولت بکند، در کنارش ممکن است ضررهایی هم داشته باشد، نباید به این موارد بی‌توجه باشیم. تخریب طبیعت موضوعی است که نمی‌شود آن را جبران کرد؛ چراکه ممکن است برخی گونه‌های گیاهی منقرض شوند و دیگر اثری از آن‌ها نباشد. خودم شاهد انقراض برخی گیاهان دارویی بوده‌ام که شاید اگر باقی می‌ماندند، ارزش دارویی آن‌ها الان مشخص می‌شد.

بهره‌برداری از طبیعت باید مطابق با ظرفیت بهره‌برداری باشد؛ به‌طور مثال وقتی می‌خواهند شیر یک گاو را استحصال کنند، باید برای بچه این گاو هم‌فکری بشود؛ ضمن این‌که باید برای توان و زنده‌بودن گاو هم برنامه‌ریزی شود؛ بنابراین، چون قسمت زیادی از ایران خشک است، سرعت تولید گیاه در کشور ایران کند است و باید نحوه و میزان بهره‌برداری از طبیعت، برنامه‌ریزی شده باشد.

البته شاید در شرایط مصنوعی بتوانیم تولید خود را افزایش دهیم، اما مقدار تولید طبیعت مشخص است؛ اگر با این مقدار تولید مشخص،

مجموعه‌هایی که برای آموزش در زمینه گیاهان دارویی طراحی می‌شوند، از گیاه‌شناسان خبره هم استفاده شود.

در زمینه گیاهان دارویی در ایران، اگر از آویشن صحبت کنیم، غیر از آویشن کوهی و آویشن شیرازی، آویشن دیگری نمی‌شناسیم؛ درحالی‌که آویشن کوهی با خواص دارویی متعدد ده‌ها گونه دارد و حتی آویشن‌های کوهی کرمان یک نمونه نیستند و به نوع و گونه گیاه بستگی دارد، اما متأسفانه در این زمینه کار کافی انجام نمی‌شود؛ البته در مراکز دانشگاهی و مراکز پیشرفته به این جهت که برای چاپ مقاله نیاز به این اسامی است، از این نام‌ها و اطلاعات گیاه‌شناسان استفاده می‌شود، اما این استفاده فقط در حد مقالات است و در تجارت از این نام‌ها استفاده نمی‌شود؛ بنابراین، می‌توانیم علاوه بر استخدام افراد متخصص در زمینه گیاه‌شناسی در مراکز آموزشی، از تابلوهایی که اسامی علمی و محلی را هم‌زمان به مردم نشان می‌دهد، استفاده کنیم که هر دوی این اسامی مهم و باارزش هستند؛ ضمن این‌که نباید فکر کنیم اسامی علمی، اسامی غیرفارسی و غیرمحلی هستند، پس از نظر ما منسوخ هستند؛ روزانه از اسامی غیرفارسی بسیاری استفاده می‌کنیم، صدها واژه داریم که معادل فارسی ندارند و روزانه از آن‌ها استفاده می‌کنیم، چرا اسامی گیاهان را حداقل روی برچسب‌های روی بسته‌بندی گیاهان استفاده نکنیم.

لذا اعتقاد دارم نباید محدود فکر کنیم؛ یعنی این‌که ما چاه نفت داریم، اما فرانسوی‌ها متخصص پالایشگاه و بهره‌بردار از چاه نفت هستند و این ناشی از این است که ما فقط اطراف خود را نگاه می‌کنیم. چه اشکال دارد اگر کرمان شرایط تولید زعفران دارد، زعفران هم کشت کنیم. باید با گیاهانی که در کرمان تولید و استفاده می‌شوند، آشنا شویم، اما نه فقط در این گیاهان متمرکز شویم. گیاهانی که در عطاری‌های کرمان استفاده می‌شوند، عمدتاً گیاهانی هستند که از طبیعت اطراف کرمان جمع‌آوری می‌شوند و نیز گیاهانی که از چند کشور محدود مثل هندوستان، افغانستان، پاکستان و عربستان وارد می‌شوند که این تجارت از قرن‌ها پیش مرسوم بوده و همه مردم کرمان هم این گیاهان را می‌شناسند. نکته اصلی این است که دوره‌ای که گیاه را کشت کنیم و بفروشیم، گذشته و چین کاری مثل خام‌فروشی است؛ بنابراین، باید به سمتی برویم که زنجیره تولید گیاهان دارویی تا فرآوری پیش برود و باید این مهم را آموزش دهیم. انگوزه، از طبیعت برداشت و مستقیم صادر می‌شود که این کار افتخار نیست و به این کار نمی‌شود تجارت گفت؛ بلکه تجارت گیاهان دارویی، یعنی گیاه باید فرآوری و سپس صادر شود.

انگوزه را به‌سختی از طبیعت برداشت می‌کنیم، طبیعت را تخریب می‌کنیم و صادر می‌کنیم و در کشورهای مقصد تمام ترکیبات این گیاه استخراج می‌شود، روی آن کار بیوشیمیایی انجام می‌شود، به داروهای خاص و باارزش تبدیل می‌شود و مجدد به خودمان فروخته می‌شود؛ بنابراین، با توجه به این‌که ایران، کشوری خشک و امکان تولید ما محدود است، باید در زمینه فرآوری وارد شویم.

○ جایگاه استان کرمان در مقایسه با سایر استان‌ها در زمینه گیاهان دارویی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اگر توانایی‌ها و امکانات بالقوه استان را بخواهیم بیان کنیم، زیاد است؛ در استان کرمان از نظر خاک و اقلیم، طبیعت متنوعی داریم، گونه‌های

بهره‌برداری زیاد شود، فاجعه به بار می‌آید؛ بنابراین، در تجارت گیاهان دارویی باید به این نکته توجه شود که این گیاه از کجا می‌آید و تلاش شود تا به طبیعت آسیب نرسد.

○ نظارت بر بهره‌برداری از گیاهان دارویی به عهده کیست؟

فقط نباید به نظارت فکر کنیم؛ باید به آموزش هم‌فکر کنیم و باید توجه داشته باشیم اگر به مردم آموزش عمومی بدهیم، خود مردم قسمت زیادی از نظارت‌ها را انجام می‌دهند؛ به‌طور مثال مردم ساکن در بردسیر، بافت، گوغر و نقاط دیگر، ارزش طبیعت را به‌خوبی می‌دانند و با تخریب مخالفند؛ یعنی اگر افراد محلی ببینند افرادی برای تخریب جنگل و مرتع آن‌ها آمده‌اند، حتماً برخورد می‌کنند و این ارزشمند است. اگر نظارت را فقط مربوط به واحدهای دولتی بدانیم، اشتباه است؛ البته به‌صورت رسمی نظارت برعهده سازمان جنگل‌ها و مراتع و سازمان حفاظت محیط‌زیست است که در همه استان‌ها هم واحدهای زیرمجموعه دارند که باید از وظایف خودآگاه باشند و آموزش کافی هم دیده باشند، اما گاهی اوقات به وظایف خودآگاه نیستند و به‌جای حفاظت، برای افراد بهره‌بردار مانع‌تراشی می‌کنند.

○ چرا استان در زمینه فرآوری گیاهان دارویی ضعیف است؟

ما یک زیرمجموعه‌ای هستیم از یک مجموعه بزرگ به نام کشور ایران؛ بنابراین، هر مشکلی که در مجموعه اصلی وجود دارد، به ما هم منتقل خواهد شد. اگر بی‌برنامگی و ضعف مدیریتی در مجموعه کشور وجود داشته باشد، به ما هم منتقل می‌شود که بخشی از مشکلات مربوط به این موضوع است.

بخش دیگری از مشکلات که باید مطالعه شود، شاید به پیشینه‌های تاریخی و مسائل و مشکلات اجتماعی، روابط فرهنگی افراد و مدیریت‌های شهری و سیاسی در استان مربوط شود؛ علاوه بر این‌که واحدهای تجاری، علمی و تخصصی در این زمینه به‌اندازه کافی قوی نیستند، آن عوامل هم نقش زیادی دارند که هیچ‌وقت مطالعه نشده‌اند و مدیران و دست‌اندرکاران همیشه انگشت روی موضوع اقتصادی کار گذاشته‌اند و هیچ‌وقت مسائل تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و ضعف‌های مدیریتی دیده نشده، اما من اعتقاد دارم تمام این موارد دخیل هستند.

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان، می‌تواند یک ظرفیت باشد؛ الان که انجمن گیاهان دارویی با حضور افراد متخصص فعالیت می‌کند، امکانی است که بتوانند با استفاده از روابط اتاق با بخش حاکمیتی، مواردی که شما بیان کردید؛ از جمله راه‌اندازی پارک گیاهان دارویی را در دستور کار قرار دهد و یا انجمن گیاهان دارویی یک دوره آموزشی برگزار کرد که موفق بود؛ بنابراین، انجمن در آموزش گیاهان دارویی خیلی می‌تواند کار کند؛ ضمن این‌که اتاق کرمان، به مرکزی تبدیل شده که حتی مردم عادی به آموزش‌های اتاق اهمیت می‌دهند؛ چراکه اتاق از اساتیدی استفاده می‌کند که به شکل کاربردی تدریس می‌کنند.

○ حالا با توجه به تأکید شما بر آموزش، در کل نظر شما در خصوص

نحوه ارائه آموزش در بخش‌های مختلف چیست و چگونه باید در این زمینه ورود کرد؟

قبل از انقلاب کشور دست متخصصان ایرانی نبود، بعد از انقلاب که گفتیم می‌خواهیم مستقل باشیم و کشور به استقلال برسد، من شاهد تمام شعارها بوده‌ام؛ «این‌که صنعت مونتاژ خیلی بد است، باید از متخصصان خودمان استفاده کنیم و اشتغال‌زایی و ...» همه شعارهایی بوده که اعلام می‌شده، اما نزدیک به چهار دهه که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، هیچ‌کدام از شعارها محقق نشده است. باید جایی فکر کنیم شاید راه ما اشتباه است و دائم حرف‌هایی که گذشته بیان کرده‌ایم را تکرار نکنیم. اشتغال‌زایی، سرمایه‌گذاری و ... حرف‌های قدیمی است و همیشه بوده، دائم این حرف‌ها را می‌شنوم، اما هیچ تغییری نمی‌بینم؛ اما سؤال این است که اشکال کار از کجاست؟ در پاسخ باید گفت اشکال کار از مدیریت غیرعلمی است؛ ما به مدیریت علمی نیاز داریم، نه مدیریتی که مبنای آن احساسات، عقاید خاص، ارتباطات سیاسی، ساکت بودن و سر‌به‌زیر بودن و یا دادوفریاد کردن است، اما اکنون مبنای مدیریتی ما این‌هاست که موفق نبوده و نخواهد بود.

این‌که به آموزش تأکید کردم، همیشه اعتقاد دارم مشکل‌گشای اصلی ما علم است؛ علم، به معنی آگاهی و وقتی در هر زمینه‌ای دانا باشیم، قطعاً در مسیر درست جلو می‌رویم؛ ضمن این‌که نیاز به آگاهی در تمام زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، مذهبی، صنعت، تجارت و ... الزامی است و نباید علم را فراموش کنیم. البته منظور من مدرک نیست، منظور من علم واقعی و تخصصی است که در ایران نمی‌تواند کار کند؛ بنابراین، می‌رود خارج از کشور و ما از این‌جا افتخار می‌کنیم که فلان متخصص ایرانی آن‌طرف دنیا چنین کاری انجام داده، اما خودمان به این فرد اجازه نمی‌دهیم در ایران همین کار را انجام دهد و این به‌دلیل مدیریتی است که ۴۰ سال بر کشور حاکم است و هیچ کاری از پیش نبرده است. انواع و اقسام وزیر، استاندار و شهردار داشته‌ایم، همه آن‌ها هم حرف‌های زیبایی زده‌اند، اما هیچ‌کدام موفق نبوده‌اند و دلیل عدم موفقیت آن‌ها این بوده که از مشاور استفاده نکرده‌اند و مشاورانی هم که دارند، افرادی شناخته‌شده و ثابتی در برخی مراکز علمی و دانشگاهی هستند که اجازه ورود به فرد دیگری نمی‌دهند و یک نوع انحصار به‌وجود آورده‌اند که اگر به این شکل ادامه پیدا کند، به‌هیچ‌وجه فایده ندارد؛ چراکه مصاحبه‌ها، پرسش‌ها، پاسخ‌ها، همه‌وهمه تکراری است و هیچ‌وقت به‌جایی نمی‌رسیم.

یکجا باید بفهمیم اشتباه می‌کنیم و خودمان را عوض کنیم و باید بدانیم مدیران ضعیف هستند. این‌که هر چند سالی یک‌بار در کرمان زلزله بزرگ رخ می‌دهد و مدیر پس از این‌همه زمین‌لرزه، می‌گوید نمی‌دانم چه کار باید انجام دهیم، درست نیست؛ بنابراین، باید از مصاحبه‌های تکراری و انتشار گزارش‌های رنگی تکراری جلوگیری شود. تا چه وقت می‌خواهیم مردم را سرگرم کنیم؛ همواره انتشار گزارش و آمار که این رقم برای اشتغال‌زایی، این مبلغ برای شهرسازی، این مبلغ برای تولید و ... اختصاص یافت! این تخصیص‌ها کجاست؟! وقتی پولی که اشتباه هزینه کرده‌ایم و کار جواب نداده، حق نداریم به مردم گزارش بدهیم که این میزان اشتغال‌زایی ایجاد شده است؛ بنابراین، وقتی کار نتیجه نداده، باید من را محاکمه کنند. میلیاردها تومان در شهر، استان و کشور ما برای اشتغال‌زایی هزینه شده، نتیجه آن کجاست؟! در زمینه مطالبات بانک‌ها هم همین‌گونه است، سال‌هاست مطالبات بانکی را بزرگ‌ترین مشکل بخش خصوصی اعلام می‌کنند، اما کار به جایی نمی‌رسد...

و پرداخت تسهیلات به‌تنهایی اشتباه است، باید به مردم آموزش داد که کار را شروع کنند. یک درخت تنومند، یک جوانه کوچک است. از ۱۰۰ جوانه کوچک در یک محدوده، یکی دو درخت تنومند به بار می‌رسد. دوم این‌که شرکت‌ها باید از صفر شروع کنند. هیچ شرکتی هیچ‌گاه نتوانسته ناگهانی شکل بگیرد و به‌سرعت به سود برسد. شرکت تویوتا، ابتدا یک نساجی کوچک بود، بعد دوچرخه‌سازی را شروع کرد و الان، به شرکتی تبدیل شده که همه در جهان به آن افتخار می‌کنند.

تنها در صورتی می‌شود گفت که یک سرمایه‌گذاری بزرگ صورت گیرد که یک عده متخصص، شرکتی داشته‌اند و با همان تجربه و علم بخواهند دوباره شرکت راه‌اندازی کنند، در این حالت می‌شود به این افراد تسهیلات داد تا رشد کنند؛ بنابراین، باید افراد را کمک کنیم تا کار خود را با واحدهای کوچک تولیدی شروع کنند و دائم تحت آموزش باشند و خودشان را با شرکت‌های استان دیگری مقایسه نکنند؛ بلکه خود را با شرکت‌های خارجی مقایسه کنند. وقتی می‌خواهیم گیاه را صادر کنیم؛ برای پیشرفت، باید آخر کار را ببینیم.

درخصوص استاندارد گیاهان دارویی چه کارهایی باید انجام شود و آیا در این زمینه ورود کرده‌ایم؟

استاندارد گیاهان دارویی به استفاده سنتی ربطی ندارد. استفاده سنتی که در عطاری‌ها وجود دارد، یک روند مشخص شده و جاافتاده‌ای است، استاندارد مشخصی ندارد و همه‌چیز در عطاری‌ها پذیرفته شده است، اما در مورد گیاهان فراوری شده که عمدتاً در داروخانه‌ها می‌فروشند،

در این رابطه مشکل را روان‌شناسان باید تعیین کنند. در حوزه مطالبات بانکی ریشه‌های مختلفی دارد؛ یکی این‌که افراد آموزش‌دیده نیستند. به‌طور مثال چند جوان جمع می‌شوند و می‌گویند می‌خواهیم برای پیشرفت کشور و ارتزاق خردمان کار کنیم و از دولت تقاضای وام می‌کنند و با مدارک دانشگاهی که دارند، مثلاً می‌خواهند پرورش آبزیان راه‌اندازی کنند، اما چون آموزش کافی فرا نگرفته‌اند، شکست می‌خورند و در ادامه، یا باید خانه‌های پدران‌شان را بفروشند تا مطالبات بانک را پرداخت کنند و یا به مراجع مختلف مراجعه کنند تا به‌گونه‌ای مشکلات آن‌ها را حل کنند. یک بخش دیگر از مطالبات بانکی سوءاستفاده برخی افراد است. سوءاستفاده‌ها را می‌بینیم و بیان می‌کنیم این میزان اختلاس شده، اما چرا بیان نمی‌کنیم که آموزش داده نشده و دلیل این سوءاستفاده، عدم آموزش لازم است. چرا دانشگاه‌ها را تقویت نمی‌کنیم و فکر می‌کنیم دانشگاه، مدرسه است؟ چرا جزء کوچکی از وامی که به بخش خصوصی می‌دهید را به دانشگاه پرداخت نمی‌کنید تا به دانشجویان به‌صورت عملی آموزش بدهیم، نه فقط در حد یک جزوه در کلاس؛ بنابراین، وقتی روش را عوض نمی‌کنیم، باید همواره بگوییم درست نمی‌شود.

آیا در خودروسازی، کشاورزی، نساجی و ... موارد پیشرفت داشته‌ایم و آیا تغییری احساس می‌کنیم؟ خیر.

همواره می‌گوییم استان ما چگونه است و استان کناری چگونه، چرا استانی فکر می‌کنیم؟ چرا خود را با یک شرکت در آلمان مقایسه نکنیم؟ چرا متخصصی که برای آن شرکت در آلمان کار می‌کند، برای ما کار نکند؟ چرا شهردار شهر ما شهردار پاریس نباشد؟ بزرگ‌ترین متخصصان ما در ناسا فعال هستند، چرا در سازمان‌های ایران کار نمی‌کنند؟

برای فعال کردن شرکت‌های تولیدی در زمینه گیاهان دارویی چه راه‌کاری پیشنهاد می‌کنید؟

باید با تبلیغات و با آموزش، استعدادها را کشف کرد. به‌طور مثال وقتی یک گزارش ورزشی بازی فوتبال از تلویزیون پخش می‌شود و یا چند بچه در کوچه فوتبال بازی می‌کنند، این‌ها همه زمینه‌هایی هستند که اگر کسی در این رشته استعدادی دارد، با خود بگوید من می‌توانم یک فوتبالیست خوب بشوم، اما وقتی آن فرد از استعداد خود اطلاعی نداشته باشد و استعدادیابی هم نشود، یک کارگر ساختمانی می‌شود. شرکت‌های فعال در زمینه گیاهان دارویی، الزاماً استعداد ندارند و ممکن است شرکت‌هایی باشند که پول داشته‌اند و شنیده‌اند سرمایه‌گذاری در زمینه گیاهان دارویی مناسب است؛ بنابراین، در این زمینه ورود کرده‌اند. مثل کسی می‌ماند که استعداد وزنه‌برداری ندارد، اما ما با تقویت غذایی، دارویی و تمرین‌های مستمر این فرد را به وزنه‌برداری توانمند تبدیل کنیم. یک نفر مثل آقای رضازاده، وقتی در جنگل‌های آذربایجان گنده درختی را بلند می‌کند، متوجه می‌شود که می‌تواند وزنه‌بردار قابلی شود و فرد دیگری هم در روسیه دائم زیر نظر متخصصان کار می‌کند، اما به جایی نمی‌رسد؛ بنابراین، استعدادیابی در هر زمینه‌ای ضرورت دارد و تنها راه استعدادیابی این است که کارها را به مردم نشان دهیم و ایجاد باغ گیاهان دارویی، یکی از همین کارهاست تا شهروند، آلاه، گاوزبون و ... را ببیند و استعدادها شکوفا شود.

در هر کاری استعدادیابی از اهمیت بالایی برخوردار است و سرمایه‌گذاری

فقط نباید به نظارت فکر کنیم؛ باید به آموزش هم فکر کنیم و باید توجه داشته باشیم اگر به مردم آموزش بدهیم، خود مردم قسمت زیادی از نظارت‌ها را انجام می‌دهند؛ مثلاً مردم ساکن در بردسیر، بافت، گوغرو نقاط دیگر، ارزش طبیعت را به خوبی می‌دانند و با تخریب مخالفند؛ یعنی اگر افراد محلی ببینند افرادی برای تخریب جنگل و مرتع آن‌ها آمده‌اند، حتماً برخورد می‌کنند و این ارزشمند است. اگر نظارت را فقط مربوط به واحدهای دولتی بدانیم، اشتباه است؛ البته به‌صورت رسمی نظارت برعهده سازمان جنگل‌ها و مراتع و سازمان حفاظت محیط زیست است که در همه استان‌ها هم واحدهای زیرمجموعه دارند.

و آورده، باید شناخته شده باشد و محصول او نیز ثبت نام شود تا اگر مشکلی داشت، به فرد اعلام کنند، اما هیچ کدام از این اتفاقات نمی افتد و این در حالی است که دستگاهها، پیشرفته و برجسته‌ها، رنگی و زیباست، اما تفکر صنعتی است.

نقش دانشگاه، نقش اتاق بازرگانی و نقش انجمن گیاهان

دارویی در توسعه گیاهان دارویی چه می تواند باشد؟

وقتی از اجزای مستقل صحبت می شود، باید هماهنگی و ارتباط بین اجزا برقرار شود تا بتوانند هر کدام نقش خود را ایفا کنند و قبل از هماهنگی و ارتباط، باید حس لزوم این ارتباط به وجود آید و این ارتباط نباید تشریفاتی باشد. به طور مثال ارتباط صنعت و دانشگاه که سالها درباره آن صحبت می کنند، کاملاً تشریفاتی است و این لزوم هنوز حس نشده و هیچ کجا به دانشگاه نگفته اند که نیاز است با صنعت ارتباط داشته باشی و اگر نیاز است، در کجا و چه بخشی باید با صنعت ارتباط برقرار کنی. در مورد گیاهان دارویی هم همین گونه است؛ باید لزوم ارتباط، مشخص شود و سپس ارتباط برقرار شود و دولت در این میان نقش ارتباط دهنده را دارد. بخش خصوصی دنبال این کار نمی آید؛ چون لزوم این کار را حس نکرده؛ بنابراین، دولت باید به بخش خصوصی تفهیم کند به این دلیل که محصولش استاندارد نیست، ضرورت دارد با دانشگاه ارتباط برقرار کند و باید بر اساس اطلاعات علمی روز، محصول خود را اصلاح و به روز کند؛ ضمن این که دانشگاه هم به معنی مدرک نیست که از صاحبان مدارک مختلف استفاده شود، ارتباط با دانشگاه، یعنی فردی در دانشگاه که کار بلد باشد و بتواند کار را انجام دهد و تخصص واقعی داشته باشد، در این زمینه ورود کند که دولت می تواند با مشورت با دانشگاه و شوراها و جلساتی که برگزار می کند، این پرسش را از دانشگاه داشته باشد که چرا در زمینه گیاهان دارویی مشکل داریم؟ بنابراین، دانشگاه نظر خود را ارائه می کند، دولت هم نظر مشاوران خود را می گیرد و در ادامه، اگر متوجه شد درست است، بخش خصوصی و دانشگاه را در کنار هم می گذارد.

وقتی می خواهیم دو نفر را با هم آشتی دهیم، فقط این نیست که دست دو نفر را در دست یکدیگر بگذاریم؛ بلکه باید حرفهای هر دو را گوش دهیم و بر اساس تواناییهای دو نفر، افراد را به هم نزدیک کنیم، اما اکنون چنین سیستمی نداریم و دولت نمی داند چرا باید بخش خصوصی را کنار بخش علمی بگذارد.

باید شوراها را با وجود این حساس شود که وقتی من می گویم آقای استاندار می خواهم برخی عیبها و مشکلات را ارائه کنم، باید در اتاق استاندار باز باشد؛ نه این که استاندار به دانشگاه تلفن بزند که بگویید فلان استاد دانشگاه بیاید و در جلسه شرکت کند.

وقتی مدیران به دانشگاه اجازه دهند در فضای منطقی، دوستانه و خیرخواهانه نظرات خود را ارائه و مشکلات را بررسی کند، در آن صورت می شود بخش خصوصی، دانشگاه و دولت را کنار هم گذاشت؛ در غیر این صورت به ظاهر کنار هم هستند، اما نمی توانند هیچ ارتباطی با هم برقرار کنند. ●

واحدی در وزارت بهداشت و درمان بر استانداردسازی گیاهان دارویی نظارت می کنند، اما این واحدها هم مثل سایر مجموعه های کشوری، دارای اشکالاتی هستند. سازمان غذا و داروی وزارت بهداشت و سازمان استاندارد در این زمینه دخیل هستند؛ هر چند مثل بقیه کارها امکان تخلف وجود دارد.

زمانی که پسته با مشکل آفاتوکسین مواجه شده بود، افراد

متخصص وارد شدند تا توانستند سم آفاتوکسین را در محصول پسته از بین ببرند، در گیاهان دارویی که به صورت خام ارسال می کنیم، اگر استانداردها در شرایط نگهداری رعایت نشود و با استانداردهای کشورهای واردکننده مطابقت نداشته باشد، بازارهای ما در گیاهان دارویی از دست می رود؟

محصولات تولیدی در همه واحدها این مشکل را دارند و دلیل این است که نظارت کافی قبل از خروج محصولات بر واحدهای تولیدی وجود ندارد؛ به طور مثال زیاد اتفاق افتاده که قطعه ای نو در خودرو استفاده نشده که به دلیل اشتباه شرکت تولیدکننده بوده و باید ریشه یابی شود که چرا چنین اتفاقی افتاده است؛ در مورد گیاهان دارویی هم این مشکل وجود دارد و قبل از صادرات باید نظارت درست باشد.

الان، صادرکننده پسته می داند اگر شرایطی که برای رشد قارچ های مولد آفاتوکسین وجود دارد، در محصول تولیدی ایجاد شود، قطعاً محصولش دچار مشکل خواهد شد؛ بنابراین، نیاز نیست سازمان دولتی ورود کند که محصول تو مشکل دارد، باید دور بریزی؛ بلکه خودش می داند که محصولش قابل صادرات نیست؛ یعنی فرد می داند در تولید و بسته بندی پسته، چه مواردی منجر به تولید آفاتوکسین خواهد شد؛ بنابراین، خود تولیدکننده جلوی این آفت را می گیرد؛ در مورد گیاهان دارویی هم همین گونه است.

در کشور چقدر باید ناظر و پلیس داشته باشیم؟ همه جا ناظر و پلیس داریم که به جای آن باید به مردم آموزش های لازم داده شود که چطور کار کنند و چگونه زندگی کنند و مردم باید بدانند مشکلات کجاست تا خودشان جلوی مشکلات را بگیرند؛ نه اینکه دولت با هزینه زیاد ناظر استخدام کند تا دائم ایراد بگیرند.

باید آموزش کافی به همه واحدها داده شود و نگوئیم چون خصوصی است، به ما ربطی ندارد. واحد خصوصی اگر تقویت شود، علاوه بر خودش، سود این واحد به دولت هم می رسد که در واقع وقتی بخشی از سود به دولت برسد، یعنی این سود به مردم رسیده است؛ چرا که از مالیات و عوارضی که دولت دریافت می کند، همه سود می برند؛ بنابراین، واحدهای دولتی باید به فکر آموزش باشند.

چند نفر از افرادی که از طبیعت گیاه دارویی برداشت می کنند، اطلاعات کافی از محیط زیست دارند؟ خیلی ها ندارند، اما وقتی می خواهیم سبزی خریداری کنیم، بالای سر سبزی فروش، گواهی صنفی و بهداشتی او وجود دارد؛ یعنی آموزش های لازم صنفی و بهداشتی را در حوزه کاری خودش فرا گرفته است؛ آیا این آموزش ها را به بهره برداران گیاهان دارویی هم می دهند؟ خیر، معلوم است چه افرادی هستند؟ خیر. هر کس فله ای آورد، محصول را از او می گیرند و وارد انبار می کنند؛ در حالی که این کار درست نیست، فردی که محصول را برداشت کرده